

پیوندهای متنی «زوج سوره» فتح و حجرات*

- احمد زارع زردینی^۱
- حمید حمیدیان^۲
- مریم طاووسی^۳

چکیده

برخی از دانشمندان علوم قرآنی در سده اخیر، نظریه «نظام زوجی سوره‌های قرآن» را ارائه نموده‌اند. این نظریه، به ارتباط وسیع و ضروری بین دو سوره از قرآن کریم می‌پردازد.

این پژوهش با هدف نمایاندن انواع روابط متنی بین زوج سوره فتح و حجرات سامان یافته و به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی از این دست است که آیا طرح دیدگاه نظام زوجی سوره‌ها ذوقی و سلیقه‌ای است یا اینکه می‌توان با شواهد متنی از آن دفاع نمود؟ و آیا این نظریه این ظرفیت را دارد تا در قرآن‌شناسی جدی تلقی شود؟ بر این اساس کوشیده تا پیوند لفظی و معنایی این دو سوره را بیش از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۳۰.

۱. استادیار دانشگاه آیة‌الله حائری میبد (نویسنده مسئول) (zarezardini@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه آیة‌الله حائری میبد (hamidian.1392@yahoo.com).

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (aaaaazzz4343@gmail.com).

پیش به نمایش گذارد و نشان دهد که چگونه می‌توان با چنین نگاهی به فهمی عمیق‌تر و دقیق‌تر از هر دو سوره دست یافت.

بر این اساس، این نوشتار پس از طرح اجمالی مبانی نظری مباحث، به طرح و تبیین انواع مختلفی از ارتباط در این دو سوره پرداخته و این فرضیه را تقویت می‌کند که این دو سوره ساختاری قرینه‌گون داشته و دو روی یک سکه‌اند و بیشتر ارتباطات این دو سوره را موضوعات مشترکی تشکیل می‌دهند که در هریک از این دو سوره از دو زاویه متفاوت به آن‌ها پرداخته شده؛ به گونه‌ای که مکمل یکدیگر هستند.

واژگان کلیدی: سوره حجرات، سوره فتح، روابط متنی، مطالعات سوره‌شناسی، نظام زوجی سوره‌های قرآن.

طرح مسئله

یکی از زمینه‌های پژوهشی در مطالعات متن‌پژوهی و تفسیر متون در قرن اخیر، مطالعاتی است که می‌کوشد تا ارتباطات بین متون را بکاود و به تبیین آن‌ها بپردازد. این مطالعات امروزه با گسترشی که در ابزارهای خود داده است، به رویکرد بسیار کلان در متن‌پژوهی بدل شده است. از طرف دیگر یکی از موضوعات مناقشه‌ای از سده‌های پیشین در حوزه علوم قرآن که معرکه آرای محققان این دانش بوده، ارتباط یا عدم ارتباط سوره‌های مجاور است. این نگاه امروزه با تحول و گسترشی که در آن به وجود آمده، کاملاً با گذشته متفاوت شده و برخی از نتایج آن به صورت یک نظریه مدون با عنوان «نظام زوجی سوره‌ها» شناخته می‌شود. در نوشتار حاضر، این نظریه را در بوته آزمایش نشانده و به بررسی روابط بینامتنی دو سوره فتح و حجرات پرداخته و به دنبال پاسخ به این دست پرسش‌ها بوده‌ایم: آیا طرح دیدگاه‌هایی همچون نظام زوجی سوره‌ها، دیدگاه‌هایی ذوقی و سلیقه‌ای هستند یا اینکه می‌توان به صورت مستدل و منطقی از آن‌ها دفاع نمود؟ آیا این دست نظریه‌ها این توانمندی و ظرفیت را دارند که در مطالعات قرآنی جدی تلقی شده و به عنوان گونه و دسته‌ای از مطالعات قرآنی در عصر حاضر، مجال ظهور و بروز آن‌ها مهیا گردد؟ این پژوهش‌ها تا چه اندازه می‌توانند به فهم بهتر از قرآن کمک نمایند؟

۱. کلیات

۱-۱. پیشینه بررسی روابط متنی سوره‌های همجوار

طبرسی (م. ۵۴۸ ق.) اولین فردی است که به ارتباط پایان هر سوره با آغاز سوره بعد توجه داشته (برای نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۴۲۲)، پس از او «فخر رازی» (م. ۶۰۶ ق.) به این نوع ارتباط توجه داشته و در روش او، نظم آیات یک سوره با آیه آغازین سوره بعد منظور است (برای نمونه ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵/۲۳). پس از او «ابوجعفر ابن زبیر غرناطی» (م. ۷۰۸ ق.) کتاب مستقلی در زمینه تناسب سور با عنوان *البرهان فی مناسبه ترتیب سور القرآن* نوشته است. «زرکشی» (م. ۷۹۴ ق.) نیز بخشی از کتاب خود را به بحث مناسبت سور اختصاص داده و چنین می‌گوید:

«زمانی که به آغاز هر سوره بنگری درمی‌یابی که مناسبتی کامل با پایان سوره قبل خود دارد که گاهی نهان و گاهی آشکار است» (زرکشی، بی‌تا: ۳۸/۱).

پس از مدتی، «برهان‌الدین ابراهیم بن عمر بقاعی» (م. ۸۸۵ ق.) کتابی با عنوان *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور* نوشت و به این مسئله توجه نشان داد (برای نمونه ر.ک: بقاعی، ذیل سوره عصر). پس از این دوران بود که دانش تناسب سور گسترش یافت؛ به طوری که «سیوطی» (م. ۹۱۱ ق.) کتابی با عنوان *تناسق الدرر فی تناسب السور* در زمینه تناسب و ارتباط سوره‌ها و کتاب *مراصد المطالع فی تناسب المقاصد و المطالع* را در رابطه با تناسب آغاز و پایان سوره‌ها به نگارش درآورد. وی همچنین فصلی را در کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* به بحث تناسب آیات و سور اختصاص داده است. در کتاب *تناسق الدرر*، سوره‌های قرآن را تک‌تک یادآور شده و میان هر سوره با سوره قبلی و بعدی، وجوهی از مناسبت را بیان کرده که برخی از وجوه از نظر او اهمیت زیادتری داشته‌اند.

در ادامه توجه به تناسب سوره‌ها با یکدیگر به دیدگاه‌هایی مواجهیم که از نگاه زنجیره‌ای پیشین فاصله داشته و برآن‌اند که میان سوره‌های قرآن، ارتباط مضمونی وجود دارد به این صورت که ممکن است سوره دوم ادامه‌دهنده یا تکمیل‌کننده سوره پیش از خود باشد و مطالب آن را شرح و تفصیل کند. گاهی ممکن است مطالب دو سوره

رابطه تقابل داشته باشند. «فخر رازی» ارتباط نزدیکی بین دو سوره «کوثر» و «ماعون» برقرار کرده و رابطه بین این دو سوره را از نوع تقابل می‌داند (برای توضیح بیشتر ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۳۰۷). «سیوطی» (م. ۹۱۱ ق. ۰) از دیگر کسانی است که علاوه بر ارتباط خطی، قائل به تناسب مضمونی میان سوره‌های همجوار است و به تبیین و توضیح چگونگی پیوند محتوایی سوره‌ها با هم پرداخته است. وی قاعده‌ای کلی را بیان داشته و قائل است که در سراسر قرآن استمرار دارد و می‌نویسد:

«همانا قاعده‌ای که از کاوش در قرآن به دست آورده‌ام، این است که هر سوره‌ای گسترش و توضیح بخش‌های فشرده و پیچیده سوره پیشین است و هر سوره به دنبال سوره قبلی می‌آید و این حقیقت در بیشتر سوره‌های قرآن چه بلند و چه کوتاه برقرار و استوار است» (سیوطی، ۱۴۰۶: ۶۵).

همچنین اظهار می‌کند که هر سوره قرآن، مندرجات سوره پیشین را شرح داده و آن را از اجمال و ایجاز بیرون آورده است؛ به طوری که سوره «بقره» شرح و بسط همه عبارات مختصر و فشرده سوره «حمد» را در بردارد. او سعی کرده تا شرح آیات سوره حمد را در سوره بقره نشان دهد (برای توضیح بیشتر ر.ک: همان: ۶۶؛ نیز: خرقانی، ۱۳۷۹).

۲-۱. مبانی روابط متنی در سوره‌های همجوار قرآن

۱-۲-۱. توقیفی بودن ترتیب سوره‌های مصحف

یکی از مبانی طرح این رویکرد و چنین روش‌هایی در قرآن‌شناسی، «توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن در مصحف» است؛ بدین معنا که ترتیب سوره‌ها در مصحف از سوی خدا و وحی شده به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. لازم به یادآوری است که در این مورد بین عالمان مسلمان اختلاف نظر است؛ عده‌ای آن را توقیفی دانسته و برخی مخالف با این نظرند؛ گروهی نیز چپش برخی از سوره‌ها را توقیفی می‌دانند.

۲-۲-۱. هدفدار بودن ترتیب سوره برای پیام‌های هدایتی قرآن

خارج از نوع نگاه تاریخی پیشین در این زمینه در خصوص توقیفی بودن چپش آیات در این سوره، نگاه دقیق‌تر تفسیری و کلامی نیز قابل پیگیری است و آن اینکه آیا

چنین امری می‌تواند حامل و دربردارنده پیام‌های هدایتی نیز باشد. به عبارت دیگر، مبنای چنین نگاهی در شناخت قرآن مبتنی است بر اینکه تمام چینش سوره‌ها در قرآن نیز تجلیگاه تمام اسماء و صفات قرآن است. به عبارت دیگر، همان گونه که متن آیات آن هدایتگرند، چینش آن‌ها نیز غرض هدایتی دارد که صرفاً با این چینش حاصل می‌شود. اگر قرآن کتاب حکیمانه است، نوع چینش سوره‌های آن نیز حکیمانه است؛ یعنی بخشی از حکمت‌ها یا پیام‌های هدایتی قرآن، با بررسی چرایی چینش سوره‌ها در قرآن به دست می‌آید.

۳-۱. نظام زوجی سوره‌های قرآن کریم

شاید اول بار، امین احسن اصلاحی اصطلاح «زوج سوره‌ها» را به کار برد و بعدها دیگران نیز این اصطلاح را به کار برده و آن را گسترش دادند. اصلاحی تعداد زیادی از سوره‌ها (۸۲ سوره) را با صراحت جفت سوره برشمرده و بر آن است که ۱۶ سوره دیگر نیز می‌تواند به این مجموعه افزوده شود. ۳ سوره به عنوان تکمله برای سوره پیشین تلقی شده‌اند؛ بدین معنا که در این سوره‌ها یک موضوع مهم که در سوره قبل به اختصار طرح شده، به تفصیل آمده است. بدین ترتیب به استثنای سوره حمد به دلیل شرایط خاص آن، ۱۲ سوره خارج از این نظریه قرار گرفته‌اند. بنابراین دسته‌بندی سوره‌ها در نظر اصلاحی از این قرار است:

۱. جفت سوره‌ها: بقره / آل عمران؛ انعام / اعراف؛ یونس / هود؛ یوسف / رعد؛ نحل / اسراء؛ کهف / مریم؛ طه / انبیاء؛ حج / مؤمنون؛ فرقان / شعراء؛ نمل / قصص؛ عنکبوت / روم؛ لقمان / سجده؛ سبأ / فاطر؛ یس / صافات؛ ص / زمر؛ شوری / زخرف؛ دخان / جاثیه؛ ق / ذاریات؛ طور / نجم؛ صف / جمعه؛ ملک / قلم؛ حاقه / معارج؛ نوح / جن؛ مزمل / مدثر؛ قیامت / انسان؛ مرسلات / نبأ؛ نازعات / عبس؛ تکویر / انفطار؛ بروج / طارق؛ اعلی / غاشیه؛ فجر / بلد؛ شمس / لیل؛ ضحی / شرح؛ تین / علق؛ قدر / بینه؛ قارعه / تکاثر؛ عصر / همزه؛ فیل / قریش؛ ماعون / کوثر؛ کافرون / نصر؛ فلق / ناس.

۲. ملحق به جفت سوره‌ها: با اینکه اصلاحی از این گروه به نام جفت سوره یاد

نکرده، ولی توصیف وی درباره آن‌ها بر پیوند مشابهی میان آن‌ها دلالت دارد: نساء / مائده؛ انفال / توبه؛ ابراهیم / حجر؛ غافر / فصلت؛ مجادله / حشر؛ طلاق / تحریم؛ زلزله / عادیات؛ مسد / اخلاص.

۳. تکمله: سوره نور تکمله سوره مؤمنون، و سوره حجرات تکمله سوره فتح است. سوره احزاب تکمله یک گروه سوره است.

۴. سوره فاتحه مقدمه قرآن و نیز مقدمه گروه سوره اول است. بنابراین نیاز به سوره دیگر برای تشکیل جفت ندارد.

۵. سوره‌های احقاف، محمد، فتح، قمر، رحمن، واقعه، حدید، ممتحنه، منافقون، تغابن، مطففین و انشقاق بدون توضیح رها شده‌اند^۱ (آقایی، ۱۳۸۸، با اندکی تلخیص).

۱. بررسی انتقادی نظریه جفت سوره‌ها (زوج سوره‌ها): اصلاحی با طرح نظریه جفت سوره‌ها، عنصری جدید بر نظریه نظم فراهی افزوده است. فراهی که غالباً از ارتباط میان سوره‌ها سخن گفته، عملاً هیچ‌گاه به این موضوع نپرداخته است. اما اصلاحی با عرضه این عنصر جدید تفسیری، توانسته است گامی در جهت تبیین ارتباط سوره‌ها بردارد. اما نقاط قوت و ضعف این دیدگاه چیست؟ دیدگاه اصلاحی در توصیف اسلوب و انسجام قرآن، از دو زاویه مضمونی و ساختاری قابل توجه است. از جهت مضمونی، توجه به ویژگی مکمل بودن سوره‌ها موجب شده که اصلاحی نسبت به فراهی بتواند شمای دقیق‌تر از عمود و محتوای سوره‌ها عرضه کند. به علاوه همین خصوصیت می‌تواند توضیح دهد که چرا در برخی سوره‌ها گزاره‌هایی آمده، بدون اینکه مستند به دلیلی باشد، قانونی ذکر شده بی‌آنکه مثال‌های کافی برای آن ذکر شود یا اینکه تنها گونه‌ای از براهین عرضه شده است. از نظر ساختاری، مکمل بودن سوره‌ها می‌تواند جنبه‌هایی خاص از ساختار سوره‌های قرآن را تبیین کند. گاه تخصیص بخش عمده‌ای از آیات یک سوره به موضوعی خاص، ممکن است اندکی بی‌تناسب به نظر برسد؛ حال آنکه همین عدم تناسب در سوره واحد، ممکن است در سیاق جفت سوره‌ها حمل بر تناسب شود. همچنین گاه ممکن است آغاز یا انجام یک سوره، شتابزده و منقطع به نظر برسد؛ در حالی که همین انقطاع هنگامی که سوره با قرینه‌اش در نظر گرفته می‌شود، به کل منتفی می‌شود. بنابراین قاعده جفت بودن سوره‌ها با ارائه زمینه‌هایی از وابستگی میان سوره‌ها، قرآن را چونان کتابی منسجم و یکپارچه می‌نماید؛ حال آنکه بی‌توجهی به این رهیافت ممکن است به این گمان بینجامد که قرآن کتابی آشفته و پریشان است.

اما آنچه گفته شد بدین معنا نیست که این نظریه هیچ اشکالی ندارد. اولاً این نظر بر تعدادی از سوره‌ها انطباق نیافته و آن‌ها را به صورت سوره‌های منفرد باقی گذاشته است و از آنجا که اصلاحی قصد فرمول‌بندی کلی این نظریه را داشته، این اشکال قابل چشم‌پوشی نیست. همچنین اصلاحی در تطبیق عملی این نظریه دچار دوگانگی شده است؛ مثلاً یک بار سوره‌های رحمن / واقعه را جفت تلقی کرده و بار دیگر واقعه / حدید را زوج دانسته است. به علاوه اصطلاحات مورد استفاده اصلاحی، چندان دقیق و شفاف نیستند؛ مثلاً وی برای بیان تکمله بودن سوره برای سوره ماقبل، از اصطلاحاتی

از دیگر کسانی که به طرح و تبیین این دیدگاه در ایران همت گماشته، دکتر محمد علی لسانی فشارکی است. وی به همراه دکتر حسین مرادی زنجانی در کتاب *سوره‌شناسی: روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم* به طرح و تبیین این دیدگاه پرداخته و روشی تا اندازه‌ای ساده‌تر و کارآمدتر برای یافتن زوج سوره‌ها پیشنهاد داده‌اند که عبارت است از اینکه برای تعیین زوج سوره‌های قرآن، بعد از سوره حمد، سوره‌هایی که عدد ترتیب آن‌ها زوج است با سوره بعدی که عدد فرد است، زوج هستند. برای نمونه سوره‌های دوم و سوم (بقره / آل عمران) و این روند تا سوره ق ادامه می‌یابد و از آن سوره، سوره‌هایی که عدد ترتیب آن‌ها فرد است با سوره بعدی که عدد زوج است، زوج محسوب می‌شوند؛ برای نمونه سوره ۵۱ و ۵۲ (ذاریات / طور) تا انتهای قرآن. در این دیدگاه سوره‌های حمد و ق زوج ندارند (لسانی فشارکی، ۱۳۹۵).

۴-۱. انواع روابط متنی در زوج سوره‌های قرآن

زیربنای مفهوم جفت سوره‌های اصلاحی، مکمل بودن دو سوره است. او معمولاً برای دو سوره یک جفت، عمود و محتوای مشابهی ترسیم می‌کند، هرچند دو سوره در

→ چون تکمله، تمه و ضمیمه بهره گرفته است. اما گاه این واژگان را در مورد سوره‌هایی به کار برده که از نظر وی تکمله نیستند؛ مثلاً او سوره مطفین را تکمله سوره انفطار دانسته، در حالی که جای دیگر آن را جفت سوره انشقاق شمرده است. اشکال دیگر، به دیدگاه صلب و انعطاف‌ناپذیر اصلاحی بازمی‌گردد که جفت سوره‌ها باید کنار یکدیگر قرار گرفته باشند. اما همین اصل همجواری در مواردی توسط خود وی نقض شده است؛ مثلاً او بر آن است که سوره مرسلات (از زوج سوره مرسلات / نبأ) شباهت‌هایی به سوره‌های ذاریات و رحمن دارد یا سوره حاقه (از جفت سوره حاقه / معارج) از لحاظ مضمونی به سوره‌های واقعه و قلم شباهت دارد. احتمالاً باید اصل همجواری را به عنوان یک قاعده تخیلف‌ناپذیر کنار گذاشت و آنگاه می‌توان جفت سوره‌هایی نظیر ذاریات / مرسلات، رحمن / نوح، واقعه / حاقه را بر موارد پیشین افزود. همچنین شاید بتوان این قاعده شباهت و مکمل بودن مضمونی و محتوایی میان سوره‌های قرآن را از جفت سوره، به ترکیب‌های سه یا چهارتایی از سوره‌ها گسترش داد. گزارش خود اصلاحی از سوره‌ها در کل چنین امکانی را نفی نمی‌کند، خصوصاً آنجا که به شباهت‌های محتوایی میان بیش از دو سوره پرداخته است. بنابراین چه‌بسا بتوان ترکیب سه گانه طور / نجم / قمر و ترکیب چهارگانه واقعه / قلم / حاقه / معارج را نیز بر این نظریه افزود.

نکته آخر اینکه در بسیاری از احادیث، سوره‌هایی ذکر شده که پیامبر ﷺ عادت داشت در نماز قرائت کند، در حالی که این سوره‌ها با نظریه جفت سوره اصلاحی به هیچ وجه منطبق نیست؛ مثلاً انبیاء / ق، احزاب / غاشیه، جمعه / غاشیه، کافرون / مسد. ظاهراً پیامبر ﷺ در گزینش سوره‌ها برای قرائت در نماز بسیار منعطف‌تر عمل می‌کرده است (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

شیوه بیان آن عمود و محتوا آشکارا با هم فرق داشته باشند؛ زیرا تفاوت و در نتیجه مکمل بودن دو سوره در طرز پرداختن به موضوع است نه اصل موضوع. اصلاحی چندین گونه مکمل بودن دو سوره را بیان کرده است که اصلی‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. **اختصار و تفصیل:** دو سوره می‌توانند مکمل هم باشند، اگر یکی موضوعی را به اختصار طرح کند و دیگری به تفصیل بدان پردازد که نمونه آن در مورد جفت سوره‌های مَزْمَل / مَدَّثَر دیده می‌شود. در سوره مَزْمَل به پیامبر ﷺ خبر داده می‌شود که خدا مسئولیتی الهی بر شانه‌های او قرار داده است و در سوره مَدَّثَر خصوصیات این مسئولیت شرح داده می‌شود و به پیامبر ﷺ تعلیم می‌دهد که چگونه این مسئولیت الهی را به انجام رساند.
۲. **قاعده و مثال:** در مواردی یک سوره به ذکر مثال‌هایی از حکم یا قاعده‌ای می‌پردازد که در سوره دیگر به طور کلی بیان شده است؛ مثلاً در سوره مجادله این قانون وضع شده که در نهایت پیروزی از آن خدا و پیامبرش است و چیزی جز شکست و نابودی نصیب مخالفان نخواهد شد و در سوره حشر، این قانون با ارجاع به پاره‌ای حوادث آن زمان تبیین شده است.
۳. **گونه‌های مختلف استدلال:** گاهی دو سوره با استفاده از گونه‌های مختلف استدلال در تأیید یک نظریه مکمل یکدیگرند؛ مثلاً سوره‌های قیامت و انسان هر دو به ضرورت اندیشیدن انسان به روز قیامت می‌پردازند، ولی سوره قیامت وجدان انسانی را به این کار فرا می‌خواند، در حالی که در سوره انسان، به قوه عقل انسان در این باره استناد شده است.
۴. **تفاوت در تأکید:** در پاره‌ای از موارد، هر دو سوره بر جنبه‌های مختلف یک موضوع تأکید می‌ورزند. سوره‌های بقره و آل عمران شاهد خوبی برای این موضوع‌اند. موضوع هر دو سوره ایمان و اعمال صالح است که سوره بقره بر اولی و سوره آل عمران بر دومی تأکید دارد. همچنین هر دو سوره به اهل کتاب پرداخته‌اند که سوره بقره بر یهود و سوره آل عمران بر نصارا تمرکز یافته است. هر دو سوره براهینی از پدیده‌های طبیعی و کتاب‌های مقدس پیشین عرضه می‌کنند که بقره عمدتاً اولی و آل عمران دومی را ارائه کرده است.

۵. مقدمه و نتیجه: برخی سوره‌ها بدین صورت مکمل یکدیگرند که یکی مقدمات موضوع را طرح می‌کند و دیگری نتیجه را استنتاج می‌کند؛ مثلاً سوره فیل حمایت خدا از کعبه در برابر حمله بیگانه را یادآوری می‌کند و نتیجه در سوره بعدی عرضه می‌شود که بنابراین قریش باید فقط پروردگار کعبه را پرستند.

۶. وحدت در تضاد: گاهی در یک سوره موضوعی طرح می‌شود که دقیقاً در تقابل با موضوع مطرح در سوره جفت قرار دارد، اما هر دو موضوع به وحدت منجر می‌شوند؛ زیرا این دو در واقع چیزی جز دو سوی مثبت و منفی یک موضوع نیستند؛ مثلاً در سوره طلاق سخن از رعایت حدود خدا در دشمنی با دیگران است، حال آنکه در سوره تحریم سخن از رعایت حدود در روابط دوستانه (آقای، ۱۳۸۸).

۵-۱. سوره‌های فتح و حجرات به مثابه زوج سوره

بر اساس هر دو دیدگاهی که در موضوع نظام زوجی سوره‌ها ارائه شده است، سوره‌های فتح و حجرات زوج سوره هستند. بر این اساس در آغاز، به معرفی این دو سوره پرداخته می‌شود.

سوره فتح، چهل و هشتمین سوره قرآن کریم در ترتیب جاودانه مصحف و دارای ۲۹ آیه و سوره‌ای مدنی است. غرض این سوره، بیان منتهی است که خدای تعالی بر رسول خدا نهاده و در این سفر، فتحی آشکار نصیبش فرموده و نیز منتهی که بر مؤمنین همراه وی نهاده و مدح شایانی است که از آنان کرده و وعده جمیلی است که به همه کسانی از ایشان داده که ایمان آورده و عمل صالح کرده‌اند که در دنیا به غنیمت‌های دنیایی و در آخرت به بهشت می‌رساند و مذمت عرب‌های متخلف که رسول خدا ﷺ خواست آنان را به سوی جنگ حرکت دهد، ولی حاضر نشدند و مذمت مشرکان در اینکه سد راه رسول خدا و همراهان آن جناب از داخل شدن به مکه شدند و مذمت منافقان و تصدیق رؤیای رسول گرامی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۷۸-۳۷۹).

سوره حجرات چهل و نهمین سوره قرآن کریم در ترتیب جاودانه مصحف و دارای ۱۸ آیه است. این سوره به اجماع مفسران بعد از هجرت نازل شده و مدنی است و با معتبر دانستن ملاک زمانی در تعیین مکی و مدنی، آیه سیزدهم این سوره نیز که به نظر

شماری از قرآن‌پژوهان در روز فتح مکه نازل شده است، مدنی محسوب می‌شود. این سوره مشتمل بر مسائلی از احکام دین است؛ احکامی که با آن سعادت زندگی فردی انسان تکمیل می‌شود و نظام صالح و طیب در مجتمع او مستقر می‌گردد. بعضی از آن مسائل، ادب جمیلی است که باید بین بنده و خدای سبحان رعایت شود و پاره‌ای آدابی است که بندگان خدا باید در مورد رسول خدا ﷺ رعایت کنند که در ۵ آیه اول سوره آمده است. بعضی دیگر آن، احکام مربوط به مسائلی است که مردم در برخورد با یکدیگر در مجتمع زندگی خود باید آن را رعایت کنند. قسمتی دیگر مربوط به برتری‌هایی است که بعضی افراد بر بعض دیگر دارند و تفاضل و برتری افراد از اهم اموری است که جامعه مدنی انسان با آن منتظم می‌شود و انسان را به سوی زندگی توأم با سعادت و عیش پاک و گوارا هدایت می‌کند و با آن بین دین حق و باطل فرق می‌گذارد و می‌فهمد که کدام دین حق است و کدام از سنن اجتماعی قومی است و در آخر، سوره را با اشاره به حقیقت ایمان و اسلام ختم نموده، بر بشریت منت می‌گذارد که نور ایمان را به او افاضه فرموده است (همان: ۴۵۵/۱۸).

۲. انواع پیوندهای متنی در سوره‌های فتح و حجرات

اگرچه تقسیم‌بندی اصلاحی از انواع این روابط بین سوره‌های زوج، قابل توجه و تحسین است و می‌تواند مبنای پژوهش‌هایی بیشتر از این دست باشد، اما بررسی انواع روابط بینامتنی بین سوره‌های قرآن نشان می‌دهد که باید به دنبال الگوها و روابط بیشتر، عمیق‌تر و کاربردی‌تر در این زمینه بود. به همین جهت چنین مبنایی در طراحی این بخش استفاده نشده و اجازه داده شده -و شاید راه صحیح هم همین باشد- که ابتدا ده‌ها پژوهش از این دست انجام گرفته و نتایج مشخص شده و سپس با تحلیل این نتایج به الگوهای حاکم بر ارتباطات بین سوره‌های قرآن دست یابیم و سخن اصلاحی را در این زمینه نه به عنوان پایان کلام و راه، که آغاز کلام و راه چنین پژوهشی بدانیم.

۱-۲. ارتباطات محتوایی

لازم به ذکر است که در انتخاب و طراحی عناوین این بخش، دوگان‌هایی (زوج‌های

مفهومی) طراحی شده که هر یک از آنها در یکی از این دو سوره آمده است.

۱-۱-۲. تثبیت اصل رسالت؛ تبیین لوازم رسالت

از جمله قوانینی که از دیرباز همواره محققان علوم قرآن درباره ساختار سوره‌های قرآن ارائه نموده‌اند، ارتباط پایان یک سوره و آغاز سوره بعد است. چنین قانونی در بین سوره حجرات و فتح نیز حکمفرماست و از این رو یکی از ارتباط‌های بین سوره فتح و حجرات آن است که سوره فتح با یاد و نام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان «رسول» الهی پایان می‌یابد: ﴿حَمِّدْ رَسُولَ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ...﴾ (فتح / ۲۹). به عبارت دیگر در این آیه از سوره فتح، اصل رسول بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تثبیت و تأکید می‌شود و در سوره حجرات، لوازم چنین جایگاهی و نیز وظایف مردم در قبال چنین مقامی تبیین می‌گردد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾^۱ (حجرات / ۱). از طرف دیگر در آیه ۱۵ حجرات نیز بخش دیگری از وظایف مؤمنان در این رابطه آمده است: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^۲.

۲-۱-۲. جاری شدن اسلام بر «زبان»؛ داخل شدن آن به «قلب» (ایمان)

در سوره حجرات به تفکیک مقوله اسلام از ایمان می‌پردازد و در خطاب به اعرابی که چنین می‌پندارند، اشاره می‌کند که ایمان به دل‌هایشان داخل نشده است و بهتر است که خود را مسلمان بنامند. در سوره فتح، برخی از رفتارهای این گروه‌ها که نشان عدم باور قلبی آنهاست، برجسته می‌شود.

آیه ۱۴ سوره حجرات، عبارت ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳ و در آیه ۱۱ سوره فتح، عبارت ﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید.

۲. در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند. اینان‌اند که راست کردارند.

۳. [برخی از] بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم». بگو: «ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگوئید: اسلام آوردیم و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده‌ایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا آمرزنده مهربان است».

لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلٌّ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا^۱

هماهنگ نبودن قلب و زبان را نشان می‌دهد که در سوره حجرات، فرق بین اسلام و ایمان مطرح شده است که اسلام آوردن یک امر زیبایی است، اما ایمان آوردن یک امر قلبی است؛ اما در سوره فتح به طور صریح مطرح کرده که اعراب بادیه که تخلف ورزیدند، برای عذر و تعلل خواهند گفت که ما را محافظت اهل بیت و اموالمان از آمدن در رکابت باز داشت... این مردم منافق چیزی که هیچ به دل عقیده ندارند، به زبان می‌آورند. مقصود آیه این است که اگر این اعراب بادیه‌نشین ایمان داشتند این حرف‌ها را بر زبان جاری نمی‌کردند و این آیات، شخصیت منافق را خیلی زیبا به تصویر کشیده است؛ آنچه در قلبشان نیست به زبان می‌آورند. در واقع سوره حجرات، قانونی را مطرح کرده و سوره فتح، مثال و نمونه‌ای از آن را بیان کرده است.

۳-۱-۲. «دخول ایمان» به قلب؛ «ازدیاد ایمان» در قلب

خداوند در آیاتی از سوره حجرات، اصل ایمان را مطرح می‌کند که عبارت است از وارد شدن به قلب انسان‌ها، و در سوره فتح عواملی را که باعث ازدیاد ایمان می‌شود، بیان می‌کند. بر همین اساس آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات/۱۴)، ایمان واقعی را مطرح می‌کند که خصیصه اصلی آن ورود به قلب است؛ اما آیه «لِيُزَادُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ»^۲ (فتح/۴) ازدیاد ایمان را بیان می‌کند که به وسیله نزول سکینت و آرامش و قوت قلب بر دل‌های مؤمنین ایجاد می‌شود. از جمع این دو آیه برداشت می‌شود که ایمان نیز دارای مراتبی است که نزول آرامش بر قلب مؤمنان، یکی از عوامل ازدیاد آن است.

۱. برجای ماندگان بادیه‌نشین به زودی به تو خواهند گفت: «اموال ما و کسانمان ما را گرفتار کردند، برای ما آموزش بخواه». چیزی را که در دل‌هایشان نیست بر زبان خویش می‌رانند. بگو: «اگر خدا بخواهد به شما زیبایی یا سودی برساند، چه کسی در برابر او برای شما اختیار چیزی را دارد؟ بلکه [این] خداست که به آنچه می‌کنید همواره آگاه است».

۲. او همان خدایی است که سکینت و آرامش و قوت قلب را بر دل‌های مؤمنین نازل کرد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

۴-۱-۲. «اتمام نعمت» بر پیامبر؛ «اعطای نعمت» به مسلمانان

در سوره مبارکه فتح بعد از اشاره به فتح مبین برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به مسئله اتمام نعمت خداوندی بر ایشان اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، مخاطب نعمت پیامبر اکرم هستند: ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (فتح/۲).

اما در سوره حجرات، به اعطای نعمت به امت اشاره نموده و به عبارتی مخاطب نعمت مسلمانان هستند و موضوع فضل و نعمت او نیز آن است که خداوند ایمان را در دل‌های ایشان دوست‌داشتنی و زیبا نمود: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ * فَضَلَّأَ مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^۲ (حجرات/۸-۷).

در بیانی متفاوت‌تر شاید بتوان گفت که ارسال رسول، فضل و نعمت خداوندی برای مردم است (سوره حجرات) و تشکیل امت اسلامی و پیروزی بر دشمنان اسلام، اتمام نعمت او برای رسول است: ﴿يُطَهِّرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (فتح/۲۸).

۵-۱-۲. «محنت» بر قلب‌ها؛ نزول «سکینه» بر قلب

در آیه ﴿إِنَّ الدِّينَ يُغْنِي عَنْكُمْ صُورَاتِهِمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾^۳ (حجرات/۳) قلب‌ها «امتحان» می‌شوند و به عبارتی در گرفتاری و محنت قرار می‌گیرند تا تقوایشان خالص گردد؛ همان کاری که برای بالا بردن خلوص طلا انجام می‌دهند. خلوص تقوای قلوب محقق گردد و در پس آن مغفرت و اجر عظیم الهی حاصل شود. اما در آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَاللَّهُ جُنُودٌ

۱. تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند.

۲. و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از [رأی و میل] شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] راه‌یافتگان‌اند. [و این] بخششی از خدا و نعمتی [از اوست] و خدا دانای سنجیده‌کار است.

۳. کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند، همان کسان‌اند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است. آنان را آموزش و پاداشی بزرگ است.

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا^۱ (فتح/۴) از حالتی دیگر بر قلب‌ها سخن می‌گوید و آن عنایت خداوند و نزول سکینه در قلوب مؤمنان است تا بدین وسیله ازدیاد ایمان مؤمنان حاصل شود. البته در آیات دیگری از این سوره همچون ۱۸ و ۲۱ نیز از نزول سکینه بر قلوب مؤمنان و پیامبر ﷺ صحبت شده است.

۲-۱-۶. اجر عظیم پاداش وفای به عهد با پیامبر؛ اجر عظیم پاداش احترام به پیامبر در هر دو سوره صحبت از اجر عظیم برای مؤمنان شده است. اما این «اجر» در قبال چه چیزی تحقق می‌یابد. نقطه مشترک دستیابی مؤمنان به این اجر به نوع رابطه، تعامل و برخوردی که در قبال پیامبر اکرم ﷺ دارند، برمی‌گردد. در سوره فتح، وفای به بیعتی که با رسول بستند، شرط اجر عظیم است و در سوره حجرات احترام به پیامبر ﷺ و عدم تقدم بر ایشان، راه رسیدن به اجر عظیم است.

آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا^۲» (فتح/۱۰) در مورد بیعت کنندگانی بحث می‌کند که با پیامبر ﷺ بیعت کردند و گویا با خدا بیعت کرده‌اند، و آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ^۳» (حجرات/۳) در مورد کسانی که صدایشان نزد پیامبر ﷺ پایین بوده و احترام ایشان را نگه داشته‌اند، به بیعت خود وفادار بوده‌اند و در واقع یکی از راه‌های پایبندی به بیعت همان حفظ حرمت است.

۲-۱-۷. برخورد با دشمن بیرونی، اتحاد بین نیروهای داخلی

در سوره فتح که درگیری و نبرد جبهه کفر و ایمان است، دستوراتی که بیان شده، از درگیری و نبرد تا مسالمة و مصالحه و... همگی در این فضا باید تحلیل و بررسی

۱. اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده کار است.
۲. در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌های آنان است. پس هر که پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.
۳. کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند، همان کسانی‌اند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است. آنان را آموزش و پاداشی بزرگ است.

شوند، اگرچه در پایان نیز مکه مسالمت‌آمیز فتح گردید و در واقع صلح حدیبیه راه فتح مکه را محقق نمود: ﴿قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعُونَ إِلَى قَوْمِ آبَائِهِمْ أَذِلَّةٌ وَيُنْسِلُونَ فَإِنْ تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۱ (فتح/۱۶).

اما در سوره حجرات، درگیری پیش آمده در میان دو گروه کفر و ایمان نیست، بلکه بین دو گروه مؤمن است. ابتدا باید بین آن‌ها صلح ایجاد کرد و در مرحله بعد اگر گروهی این صلح را قبول نکرد و بر گروه دیگر حمله کرد، باید با آن گروه متجاوز جنگید تا به امر خدا برگردد و در مرحله بعد اگر آن گروه متجاوز به امر خدا برگشت، باید با عدل و قسط بین آن‌ها صلح نمود. در اینجا قتال اهل بغی مطرح می‌شود: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَبْغِيَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۲ (حجرات/۹).

۸-۱۲. حبط اعمال صالح؛ تکفیر سیئات

در سوره حجرات صحبت از نابود شدن اعمال صالح (حبط عمل) است؛ در حالی که در سوره فتح سخن از بخشیده شدن سیئات (کفران سیئات) است. حبط اعمال خیر و تکفیر گناهان دو اصطلاح قرآنی هستند؛ حبط به معنای از میان رفتن ثواب یا استحقاق آن یا دیگر آثار عمل نیک به وسیله گناه، و تکفیر به معنای پوشاندن و محو کردن گناه یا آثار گناه است که با بروز برخی رفتار و حالات در انسان روی می‌دهد.

حبط و تکفیر اعمال خوب و بد، دو جریان مهم و پایدار در زندگی انسان می‌باشد که قرآن ما را آگاه نموده است. این قابلیت تغییر و تحول تا آخرین روز زندگی که دار تکلیف و عمل است، باقی و برقرار می‌ماند.

۱. به برجای ماندگان بادیه‌نشین بگو: «به زودی به سوی قومی سخت زورمند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید یا اسلام آورند. پس اگر فرمان برید خدا شما را پاداش نیک می‌بخشد و اگر همچنان که پیشتر پشت کردید- [باز هم] روی بگردانید، شما را به عذابی پردرد معذب می‌دارد.

۲. و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آن‌ها را دادگراانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

گناه هم چون آتشی است که به خرمن اعمال انسان می‌زند و اعمال خوب انسان را از بین می‌برد. همان گونه که خوبی‌ها بدی‌ها را نابود می‌سازد، متقابلاً بدی‌ها و گناهان، اعمال صالح را تباه می‌سازند.

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ مَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»^۱ (حجرات/۲)، بلند سخن گفتن در مقابل رسول اکرم ﷺ از عوامل حبط شمرده شده است. کلمه «حبط» به معنای باطل شدن عمل و از تأثیر افتادن آن است. بعضی گفته‌اند: اصل این کلمه از حَبَط (با فتح حاء و باء) است و حبط به معنای پرخوری حیوان است، به طوری که شکمش باد کند و گاهی منجر به هلاکتش شود و در قرآن هم جز به عمل نسبت داده نشده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۹۶/۲). آیه «لِيَدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا»^۲ (فتح/۵) بیان می‌کند تقوا که لازمه و عارضه مستقیم آن ترک گناه و روی آوردن به واجبات و مستحبات است، به طور کلی موجب تکفیر سیئات و بزرگ شدن اجر کارها می‌شود.

۹-۱-۲. زینت دادن خوبی‌ها در قلب؛ زینت دادن بدی‌ها در قلب

در سوره حجرات صحبت از تزئین امور صالح و مثبت در قلب مؤمنان است؛ در حالی که در سوره فتح سخن از تزئین امور ناصالح و منفی در قلب منافقان است. آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأُمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»^۳ (حجرات/۷) از ایمانی

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند، با او به صدای بلند سخن مگویید، مبدا بی‌آنکه بدانید، کرده‌هایتان تباه شود.

۲. تا مردان و زنانی را که ایمان آورده‌اند، در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، درآورد و در آن جاویدان بدارد و بدی‌هایشان را از آنان بزدايد و این [فرجام نیک] در پیشگاه خدا کامیابی بزرگی است.

۳. و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از [رأی و میل] شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگان‌اند.

که به قلب زینت داده، صحبت می‌کند. بنا بر سوره حجرات، مؤمنان نه تنها ایمان و عشق به خدا و رسولان و هر آنکه در ارتباط با خداوند است، برایشان محبوب است، بلکه این امور، در دل‌هایشان جلا و زینتی نیز یافته است و همواره مشتاق و دوستدار و خیرخواه اولیاء خداوند می‌باشند.

این در حالی است که در آیه ﴿بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ نَبْقَلَِبَ الرَّسُولَ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ (فتح/۱۲) از منافقانی یاد شده است که نه تنها از فرستاده خداوند نفرت دارند، بلکه این نفرت و انزجار از پیامبر ﷺ در دل‌هایشان زینت یافته است. این منافقان آرزوی کشته شدن فرستاده خداوند و عدم بازگشت پیامبر ﷺ به شهرشان را دارند. این آرزو، نشان از حال نفرت و انزجارشان دارد و اینکه خود متوجه این حال ناپسندشان نمی‌شوند، به خاطر زینتی است که در قلب‌هایشان رخ داده است.

۱۰-۱۲. «تقدم» بر رسول؛ «تخلف» از رسول

یکی از مشکلاتی که همواره انبیاء و صالحان زمین داشته‌اند، این است که در مقام رهبری، برخی به جای همراهی، از ایشان سبقت می‌گرفتند و در اصطلاح «تقدم» داشتند و برخی نیز آنقدر کند می‌آمدند و عقب می‌افتادند که به آن «تخلف» می‌گویند. در سوره حجرات، تقدم (پیشی گرفتن) بر رسول، و در سوره فتح تخلف (عقب ماندن) از رسول مطرح شده است. به عبارت دیگر، دو گروه هستند که همواره مسیر را کند و منحرف می‌کنند؛ گروهی با سبقت‌های بی‌جا از پیامبر و گروهی نیز با تخلف از رسول.

در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (حجرات/۱) همین امر را به مؤمنین گوشزد می‌کند که ای مؤمنین، مبادا در هیچ کاری بر خدا و رسولش تقدم جوئید.

در آیات ۱۱، ۱۵ و ۱۶ سوره فتح این جریان معرفی می‌شوند و مشخص است که

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوئید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست.

اعراب بادیه‌نشین (منافقان) از دستورات پیامبر ﷺ اطاعت نکردند؛ برای نمونه: ﴿سَيَقُولُ لَكَ الْحَالِفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَعَلْنَا أَمْوَالَنَا وَأَهْلوانَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسَّيْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۱

۱۱-۱-۲. جهالت؛ جاهلیت

از موضوعات مشترکی که در هر دو سوره به آن پرداخته شده، «جهل» است که در هر دو سوره، به مظاهری از آن پرداخته شده است و در عین حال، تفاوت‌هایی نیز در نوع پرداختن به آن‌ها وجود دارد.

بنابراین می‌توان گفت که جهل و نادانی در سوره حجرات، طبیعی و روبنایی است و با تحقیق، تبیین و جستجو، این جهل به راحتی از بین می‌رود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمُ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصَوِّعُوا عَلٰى مَا عَمَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾^۲، اما در آیه ﴿حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (فتح/ ۲۶) از جهلی سخن گفته شده که زیربنایی است و در وجود انسان‌ها ریشه دوانده و در اعماق جان جای گرفته است. برخی افراد با روشن شدن حقیقت و واقعیت، جهلشان برطرف می‌شود، اما برخی این گونه نیستند. اینان اگر حقیقت و واقعیت برایشان روشن شود، به خاطر تعصب جاهلی‌شان، خواهان پذیرش حق نمی‌باشند. لذا حق را باطل می‌بینند و همیشه در جهل و نادانی بسر می‌برند: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِيَّةً﴾^۳ (فتح/ ۲۶).

۱۲-۱-۲. گمان بد نسبت به مؤمنان؛ گمان بد نسبت به خداوند

از جمله مسائل مشترکی که در هر دو سوره بیان شده و در هر یک با زاویه‌ای متفاوت به آن پرداخته شده، مسئله «ظن» است که در هر دو سوره با بار معنایی منفی

۱. برجای ماندگان بادیه‌نشین به زودی به تو خواهند گفت: «اموال ما و کسانمان ما را گرفتار کردند، برای ما آموزش بخواه». چیزی را که در دل‌هایشان نیست، بر زبان خویش می‌رانند. بگو: «اگر خدا بخواهد به شما زبانی یا سودی برساند، چه کسی در برابر او برای شما اختیار چیزی را دارد؟ بلکه [این] خداست که به آنچه می‌کنید همواره آگاه است».
۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد،] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.
۳. آنگاه که کافران در دل‌های خود، تعصب [آن‌هم] تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد.

به آن‌ها اشاره شده است. در سوره حجرات، سوء ظن به مؤمنان مطرح شده و اینکه چنین معضلی چه پیامدهای منفی به دنبال دارد و در سوره فتح به سوء ظن به خدا اشاره شده و آثار و پیامدهای آن نشان داده شده است.

در سوره حجرات، دستور اجتناب و دوری از گمان‌ها داده شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِمٌّ...﴾^۱ با توجه به آیات پیرامون و سیاق آیات که روابط و نحوه تعامل افراد با یکدیگر را بیان نموده است، می‌توان گفت گمان‌هایی که مدنظر آیه ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾ است، گمان‌هایی است که نسبت به افراد پیرامون به ذهن متبادر می‌شوند، گرچه مابقی خطورات را نفی نمی‌کند. اما در سوره فتح، خطورات و گمان‌هایی مطرح هستند که به خداوند و فرستاده او مرتبط می‌باشند: ﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ﴾ (فتح/۶): ﴿وَوَطَّئْتُمْ ظَنُّ السُّوءِ﴾ (فتح/۱۲).

قطعاً ظن و گمان بد به خداوند و فرستاده‌اش، ناپسندتر از گمان بد به افراد و اطرافیان است. در این رابطه می‌توان گفت که بیماری‌ها و امراض، چه جسمانی و چه روانی، اگر مورد علاج واقع نشوند، رشد و فزونی خواهند یافت: ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ (بقره/۱۰). بیماری بدگمانی و سوء ظن نیز چنین است؛ یعنی اگر فرد، سوء ظن خود را نسبت به اطرافیان معالجه نکند، سوء ظن و بدگمانی‌اش شدت یافته و دامنه‌اش به خدا و رسول نیز کشیده می‌شود. البته آمدن گمان‌ها به ذهن، بی‌اختیار است. لذا آمدن گمان بد، گناه نیست، بلکه پذیرش قلبی آن و ترتیب اثر دادن، گناه است. به عبارت دیگر، اگر در درون به صورت خطورات ذهنی و نفسانی باشد و خود شخص هم از این عملکرد ذهنی ناراحت باشد و جنبه عملی و عینی پیدا نکند، بیشتر علمای اخلاق و فقها با استناد به روایاتی مانند حدیث رفع آن را گناه نمی‌دانند (ر.ک: فیض کاشانی، بی‌تا: ۲۴-۲۸).

۱۳-۱-۲. فاسقان و منافقان دو چهره از مخالفان پیامبر

یکی دیگر از ارتباطاتی که در بین دو سوره می‌توان نشان داد ترسیم دو چهره متفاوت از مخالفان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در این راستا مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله در سوره

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است.

حجرات با عنوان «فاسق» معرفی می‌شود. به عبارت دیگر، تقابل «مؤمن» و «فاسق» شکل می‌گیرد. آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...﴾ (حجرات/۶) به نقش فاسقان در به هم زدن آرامش اجتماع اشاره دارد. آیه سیزدهم نیز بیشتر به پرورش مفهوم فاسق با اشاره به تجسس و غیبت و مسخره و... می‌پردازد: ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان﴾. در آیه هشتم سوره نیز زشتی فسوق را متذکر می‌گردد: ﴿وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ﴾. در سوره فتح این جبهه مخالف با عنوان «منافق» شناخته می‌شوند و تقابل «مؤمن» و «منافق» نیز شکل می‌گیرد و در این راستا این سوره در جهت تبیین چهره منافقان گام برمی‌دارد: ﴿لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي... وَبَعْدَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ...﴾ (فتح/۶).

در سوره فتح منافقان را معرفی کرده است که ضربه‌هایی گاهی جبران‌ناپذیر به مؤمنان وارد می‌کنند. اما سوره حجرات به معرفی فاسقان پرداخته است و بیان می‌کند همین ضربه‌ای که مؤمنان از منافقان (در سوره فتح) می‌خورند، در سوره حجرات همین ضربه را از فاسق می‌خورند و به مؤمنان از وجود فاسق در بین خودشان هشدار می‌دهد.

غالباً انسان منافق به کسی گفته می‌شود که از نظر ظاهر و رفتارهای اجتماعی، بر پایه هنجارهای عقلانی و شرعی عمل می‌کند، ولی از نظر اعتقادی، هیچ باور و اعتقادی به خوب و بدهای اخلاقی و باید و نبایدهای شرعی ندارد و اصولاً منکر دین و شریعت اسلام است. در مقابل، فاسق کسی است که از نظر اعتقادی در مرتبه‌ای از مراتب ایمان قرار دارد، ولی در مقام عمل بر خلاف باورهایش رفتار می‌کند. از همین جا می‌توان دریافت که از نظر اعتقادی، انسان فاسق از ایمان محکم و استواری برخوردار نیست، وگرنه رفتارهای ضد هنجارهای شرعی از خود بروز نمی‌داد. بنابراین از همین رفتارها می‌توان دانست که شخص فاسق، انسانی سست‌ایمان است. از این رو از محدوده بایدها و نبایدهای شرعی بیرون می‌رود و با آنکه به احکام شرعی اقرار و از نظر بینشی التزام دارد، ولی در مقام عمل، چنین التزامی را مراعات نمی‌کند و بر خلاف باورها رفتار می‌کند.

۱۴-۱-۲. صادق بودن خداوند و صادق بودن مؤمنان

از جمله تفاوت‌هایی که در عین شباهت میان این دو سوره وجود دارد. مفهوم «صدق» است. در سوره مبارکه فتح این صفت به خداوند نسبت داده شده و در آیه ۲۷ آن چنین آمده است: ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ زُفُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ بِمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾^۱ که در آن خداوند رؤیای پیامبر اکرم ﷺ را که به نوعی وعده خداوندی بود، محقق نمود و فتح مکه رخ داد. در آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^۲ (حجرات/۱۵)، از ویژگی‌های مؤمنان صادق می‌گوید که ایشان هیچ‌گاه دچار شک و دودلی نشدند و همواره با جان و مالشان در راه خدا جهاد نمودند و صداقت خویش را اثبات کردند.

۲-۲. تفاوت در اسلوب بیان مطالب

از دیگر تفاوت‌هایی که می‌تواند نوعی همپوشانی و مکمل بودن این دو سوره را نشان دهد، آن است که این دو سوره در مواردی که در صدد بیان مطالب کاملاً یکسان بوده‌اند، باز کوشش شده تا تعابیر متفاوت اما هماهنگ استفاده شود که نشان از ارتباط وثیقی است که این دو سوره دارند و موضوعات با تنوع اسلوب بیانی در این دو سوره مطرح می‌شوند.

سوره حجرات	سوره فتح
﴿وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (۱۸)	﴿وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ (۲۴)
﴿وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (۱۶)	﴿وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (۲۶)
﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (۸)	﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (۴)
﴿وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۵)	﴿وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (۱۴)
﴿مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (۳)	﴿أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (۲۹ و ۱۰)

۱. حَقًّا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود:]: شما بدون شک، به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده‌اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد. خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست و غیر از این، پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داد.
 ۲. در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند. اینان‌اند که راست‌کردارند.

نتیجه‌گیری

برای نتیجه‌گیری از نوشتار حاضر، یک بار دیگر پرسش‌هایی را که نوشتار در راستای جواب‌گویی به آن‌ها شکل گرفت، مرور می‌کنیم. آیا طرح دیدگاه‌هایی همچون نظام زوجی سوره‌ها، دیدگاه‌هایی ذوقی و سلیقه‌ای هستند یا اینکه می‌توان به صورت مستدل و منطقی از آن‌ها دفاع نمود؟ آیا این دست نظریه‌ها این توانمندی و ظرفیت را دارند که در مطالعات قرآنی جدی تلقی شده و به عنوان گونه و دسته‌ای از مطالعات قرآنی در عصر حاضر، مجال ظهور و بروز آن‌ها مهیا گردد؟ این پژوهش‌ها تا چه اندازه می‌توانند به فهم بهتر قرآن کمک نمایند؟

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انواع مختلف ارتباطاتی که بین این دو سوره وجود دارد و در ذیل آمده، کاملاً معنادار بوده و خارج از یک امر تصادفی است و ۱. تثبیت اصل رسالت؛ تبیین لوازم رسالت ۲. جاری شدن اسلام بر «زبان»؛ داخل شدن آن به «قلب» (ایمان) ۳. «دخول ایمان» به قلب؛ «ازدیاد ایمان» در قلب ۴. «اتمام نعمت» بر پیامبر؛ «اعطای نعمت» به مسلمانان ۵. «محنت» بر قلب‌ها؛ نزول «سکینه» بر قلب ۶. اجر عظیم پاداش وفای به عهد با پیامبر؛ اجر عظیم پاداش احترام به پیامبر ۷. برخورد با دشمن بیرونی، اتحاد بین نیروهای داخلی ۸. حبط اعمال صالح؛ تکفیر سیئات ۹. زینت دادن خوبی‌ها در قلب؛ زینت دادن بدی‌ها در قلب ۱۰. «تقدم» بر رسول؛ «تخلف» از رسول ۱۱. جهالت؛ جاهلیت ۱۲. گمان بد نسبت به مؤمنان؛ گمان بد نسبت به خداوند ۱۳. فاسقان و منافقان دو چهره از مخالفان پیامبر ۱۴. صادق بودن خداوند و صادق بودن مؤمنان ۱۵. تفاوت در سبک بیان مطالب.

از نگاهی دیگر در مقام جمع‌بندی باید اشاره نمود که از میان انواع شش‌گانه‌ای که اصلاحی برای انواع روابط سوره‌های زوج آورده بود، رابطه این دو سوره گاه مبتنی بر تفاوت در تأکید است که در پاره‌ای از موارد، هر دو سوره بر جنبه‌های مختلف یک موضوع تأکید می‌ورزند؛ مانند اینکه فاسقان و منافقان دو چهره از مخالفان پیامبر معرفی می‌شوند. از طرف دیگر، گاه از نوع اجمال و تفصیل است مانند تثبیت اصل رسالت؛ تبیین لوازم رسالت. گاه وحدت در تضاد است که در یک سوره موضوعی

طرح می‌شود که دقیقاً در تقابل با موضوع مطرح در سوره جفت قرار دارد، اما هر دو موضوع به وحدت منجر می‌شوند؛ زیرا این دو در واقع چیزی جز دو سوی مثبت و منفی یک موضوع نیستند مانند «تقدم» بر رسول و «تخلف» از رسول. گاه ارتباطها از نوع گونه‌های مختلف استدلال است که در آن دو سوره با استفاده از گونه‌های مختلف استدلال در تأیید یک نظریه مکمل یکدیگرند؛ گمان بد نسبت به مؤمنان؛ گمان بد نسبت به خداوند.

بررسی موارد فوق نشان می‌دهد که این سبک از مطالعات قرآنی می‌تواند جدی تلقی شده و در فهم بهتر قرآن کمک نماید؛ زیرا یکی از مشکلات تفسیری و فهمی ما از قرآن کریم آن است که توجه بیش از حد ما به وحدت محتوایی قرآن - که در جای خود بسیار لازم و بایسته است - سبب شده است تا حجم وسیعی از زیبایی‌های بیانی و تفاوت‌های سبکی و معرفتی قرآن از دست برود. برای نمونه موضوع توحید در همه سوره‌های قرآن مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است. اما هیچ‌گاه کوششی در جهت اینکه چه تفاوتی در نوع معرفی و تعلیم خداشناسی در سوره‌های قرآن است، نشده است. این مباحث می‌تواند به فهم دقیق‌تر قرآن کمک کند. برای نمونه، توحید در دو سوره با چه سبک و با چه اسلوب‌هایی و با چه نگاه و از چه زاویه‌ای مطرح شده‌اند. اگر بخواهیم بخشی از سنت تفسیری و فهمی قرآن را از این زاویه مورد نقد قرار دهیم، قطعاً یکی از آن‌ها عدم توجه به اسلوب‌ها و روش‌های مختلف طرح مسائل در سوره‌های قرآن است. به عبارت بهتر، ما کمتر به دنبال ارائه و شناخت و فهم بیان قرآنی با توجه به سوره‌های قرآنی بوده‌ایم؛ بدین معنا که طرح موضوع معاد در سوره الف چه تفاوتی با طرح این موضوع در سوره ب دارد و چرا این تفاوت در نگاه آمده است. بررسی‌های مقایسه‌ای بین سوره‌های قرآن اولین گام در پیمودن چنین راهی در فهم قرآن است. یعنی شناخت بیان توحید در سوره اخلاص با بیان توحید در سوره عنکبوت و این راه‌ها کم‌کم می‌تواند با ابزارها و روش‌های دیگری نیز تکامل و تحول و گسترش یابند و می‌تواند سرآغاز انبوهی از پژوهش‌های قرآنی در شناخت دقیق‌تر موضوعات قرآنی و همچنین سوره‌های قرآن باشد.

به نظر می‌رسد محور اصلی یا گفتمان حاکم بر سوره فتح، روبه‌رو شدن با دشمن

خارجی است. یعنی وحدتی که در آنجاست با تقابل با دشمن خارجی تعریف می‌شود. بر این اساس، به راه‌ها، گام‌ها، ضرورت‌ها و موانع و باید‌های چنین مسئله‌ای می‌پردازد. اما سوره حجرات به مباحث درون‌گفتمانی مسلمانان ناظر است و به آسیب‌شناسی ایشان و وحدت داخلی معطوف است. این سوره عوامل وحدت‌آفرین، محور وحدت، آسیب‌های آن و... را در جامعه اصیل ایمانی برمی‌شمارد.

اگرچه برای اثبات نظریه نظام زوجیت سوره‌ها لازم است تا ده‌ها پژوهش از این دست انجام گرفته و پس از استقصای موارد به صحت و یا عدم صحت آن نظر داد، اما این پژوهش همان گونه که می‌تواند نقطه پایانی برای چنین پرسش‌هایی باشد، می‌تواند آغازگر و نقطه عزیمتی برای مقصدی دیگر و پرسش‌هایی تازه‌تر و متفاوت‌تر باشد که لازم است به دنبال روش‌ها و نشانه‌های کاربردی بود که بتواند به این سؤال پاسخ دهد که کدام یک از این دو سوره در پرتو دیگری شکل گرفته است. به عبارت دیگر، ترتیب نزول هر یک از این دو سوره چگونه است؟ و یا اساساً طرح چنین پرسشی صحیح است یا خیر؟

کتاب‌شناسی

۱. آقایی، علی، «انسجام قرآن از نظریه تا عمل، مقایسه روش تفسیری فراهی - اصلاحی»، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۴، مهر ۱۳۸۸ ش.
۲. خرقانی، حسن، «تناسب و ارتباط میان سوره‌های قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره‌های ۲۱-۲۲، ۱۳۷۹ ش.
۳. زرکشی، بدرالدین محمد، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
۴. سیوطی، جلال‌الدین، اسرار ترتیب القرآن، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۷. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۸. فیض کاشانی، محمدمحسن، مفاتیح الشرائع، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، بی تا.
۹. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی، سوره‌شناسی: روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم، قم، نصاب، ۱۳۹۴ ش.

